

عوامل تربیتی - آموزشی ولایت‌پذیری از منظر قرآن کریم

علی یوسفی*: دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

سعید بهشتی: عضو هیأت علمی، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

سید کاظم اکرمی: عضو بازنشسته هیأت علمی، گروه فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

چکیده: ولایت انبیا و جانشینان ایشان در طول تاریخ، در طول ولایت الله بوده است؛ خداوند ولی را نسبت به مؤمنین، اولی و شایسته‌تر از خودشان قرار داده، به طوری که پیامبر و ائمه علیهم السلام بر مؤمنین ولایت دارند و پس از ایشان، ولی فقیه چنین جایگاهی در سرپرستی و تربیت جامعه دارد. با این وجود، منصب ولایت، آن‌گاه تجلی پیدا می‌کند که مردم ولایت‌پذیر باشند. بیان اهمیت ولایت و ولایت‌پذیری در تربیت و احصای عوامل تربیتی - آموزشی ولایت‌پذیری از منظر قرآن کریم، هدف اصلی این مقاله است. روش تحقیق، توصیفی تحلیلی است؛ یعنی سعی شده آن‌چه هست بدون دخالت یا استنتاج ذهنی گزارش و نتایج عینی احصا شود و آیات قرآن کریم با توجه به سؤالات تحقیق، مورد تحلیل قرار گیرد. بر این اساس، عواملی چون معرفت، حب، ایمان، صبر، پیروی از حق و تبری از مشرکان به عنوان عوامل درونی و عفو الهی، مربی، خانواده، حکومت و حاکمان به عنوان عوامل بیرونی ولایت‌پذیری شناخته می‌شود.

واژگان کلیدی: ولی، ولایت، ولایت‌پذیری، تربیت، عوامل بیرونی، عوامل درونی.

***نویسنده‌ی مسؤؤل:** دانشجوی دکتری رشته فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

(Email: yousefi1981@yahoo.com)

مقدمه

از آن جا که خالق هستی خداوند متعال است، ولایت و سرپرستی بر مخلوقات و از جمله انسان نیز از آن اوست. ولایت انبیا و جانشینان راستین ایشان در طول تاریخ نیز در طول ولایت الله و در واقع پرتویی از آن است؛ خداوند متعال ولی مؤمنان است و طاغوت، اولیای کافران. ولایت به معنای سرپرستی، تصدی، صاحب اختیاری و تسلط است و ولایت پذیری باور به این است که اهل بیت از سوی خداوند، بر امت اسلامی حق ریاست و حاکمیت داشته و دارند، و این از عقاید پیروان مکتب اهل بیت علیهم صلوات ... است. بررسی مفهوم ولایت، به عنوان مهم‌ترین رکن دین اسلام که مسوول تربیت جامعه به عنوان مهم‌ترین هدف دین است و ولایت پذیری، به معنی پذیرش و تبعیت از ولی، و تبیین عوامل تربیتی ولایت-پذیری، از منظر قرآن کریم، اهمیتی فراوان دارد. در این راستا، دو مؤلفه مورد نظر بوده است؛ ولایت‌پذیری و عوامل تربیتی، یعنی علت‌ها و زمینه‌های تربیتی ایجاد و شکل‌گیری ولایت‌پذیری. با توجه به این که وظیفه اصلی ولی، تربیت و هدایت مردم است، این مفهوم و منصب آن گاه معنا می‌یابد که از سوی مردم به عنوان متریبان، مقبول باشد و به عبارت بهتر متریبان ولایت پذیر باشند. این که متریبان، ولایت ولی را بپذیرند و این گونه تربیت شوند تا ولی بتواند وظایف تربیتی خود را در قبال آنان انجام دهد. بنابراین باید تحقیق و بررسی کرد که چه عوامل و عللی وجود دارد که باعث می شود مردم یک جامعه ولایت‌پذیر تربیت شوند، رأی و نظر ولی خود را بهتر پذیرفته و عمل کنند. با توجه به اهداف، سوالات تحقیق به این صورت است:

- ۱- مفاهیم ولایت و ولایت‌پذیری در قرآن کریم چگونه تبیین می شود؟
- ۲- عوامل درونی تربیتی ولایت‌پذیری از منظر قرآن کریم کدام اند؟
- ۳- عوامل بیرونی تربیتی ولایت‌پذیری از منظر قرآن کریم کدام اند؟

بر اساس منابع موجود، مرحوم آیت ... ملا احمد نراقی به طور کلی ثابت کرده در عصر غیبت، فقیه در دو چیز حق ولایت دارد: در همه‌ی اموری که پیامبر و ائمه علیهم السلام در آن صاحب اختیار بودند و ولایت داشتند، و در همه‌ی اموری که با دین و دنیای بندگان خدا ارتباط دارد و باید انجام شود؛ از جمله افتاء، اجرای حدود، حفظ اموال یتیمان و مجانین و غایبین، تصرف در اموال امام معصوم علیه السلام، و ... (موسوی خمینی ۱۳۷۹) پس از مرحوم

نراقی، حضرت امام خمینی (ره) تنها فقیه‌ی است که علاوه بر بحث در این مورد، ولایت فقیه را در تصدی امر حکومت با همان معنای جامع تفصیلاً مورد بررسی و اثبات قرار داده است. (موسوی خمینی ۱۳۷۹) استاد مطهری اوج مفهوم امامت را در ولایت دانسته و در ذیل آیه‌ی «انما ولیکم الله و رسوله...» (مائده: ۵۵) ولی را به معنی سرپرست می‌داند؛ به عبارتی ولایت یعنی تسلط و سرپرستی. (مطهری ۱۳۷۳) آیت ... جوادی آملی، ولایت را به معنی حب و دوستی، نصرت و یاری، متابعت و پیروی و سرپرستی می‌داند که وجه مشترک همه‌ی آن‌ها قرب معنوی است. (جوادی آملی ۱۳۸۳) آذری قمی ولایت را به معنای سرپرستی می‌داند؛ که هرگونه دخل و تصرفی باید به نفع مولی علیه باشد. (آذری قمی ۱۳۷۱) رجالی تهرانی نیز ولایت را همان حکومت و سرپرستی می‌داند، نه بدان معنا که تمام اختیارات مردم به ولی سپرده شود و مردم هیچ انگاشته شوند. (رجالی تهرانی ۱۳۸۹). استاد مرتضی مطهری این عوامل را برای تربیت برشمرده: تقویت اراده، عبادت، محبت، تقویت حس حقیقت جویی، مراقبه و محاسبه، تفکر، محبت اولیا، ازدواج، جهاد و کار. (مطهری ۱۳۸۸) محمدتقی مصباح یزدی نیز عوامل تربیت را این گونه فهرست می کند: عوامل و موانع درونی؛ عوامل بینشی مثل شناخت و آگاهی. عوامل گرایشی مثل محبت، ترس، عادت. عوامل توانشی- رفتاری مثل ایمان، اطاعت خدا و اولیای او، شکر و دعا. (مصباح یزدی ۱۳۹۰) عوامل بیرونی؛ عوامل الهی مثل خداوند متعال، انبیا و اولیای الهی. عوامل فرهنگی- اجتماعی مثل معلم و مربی، شاخه های دانش و وراثت. عوامل اقتصادی مثل درآمد، عوامل سیاسی مثل حکومت و دولت مردان و بالاخره عوامل طبیعی مثل خوراک، موجودات و پدیده ها (مصباح یزدی ۱۳۹۰). عبدالمجید صدوقی فر (۱۳۹۲) نیز در پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد خود عوامل و زمینه‌هایی مانند تقوا، اخلاص، بصیرت، خشیت الهی، احسان به والدین، دوستی و دشمنی به خاطر خدا، امر به معروف و نهی از منکر، بصیرت، وفای به عهد، دعا، شکر، استغفار، صبر، معرفت، ایمان، و ... را باعث ولایتمداری انسان در برابر حضرت حق و جانشینان راستین او می‌داند.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر، توصیفی تحلیلی و تحلیلی- استنباطی است. آیات قرآن کریم با توجه به سوالات تحقیق، مورد تحلیل فکری قرار گرفته، چرا که آیه یا آیاتی به صراحت در خصوص عوامل، موانع و آثار تربیتی

شوون زندگی مولی علیه که قابل این هست که به دیگری واگذار شود، تنها ولی می‌تواند آن را عهده‌دار شده و جای او را بگیرد. (موسوی همدانی ۱۳۷۴)

۱-۳- **ولایت اولیای خدا:** خدای تعالی ولی بنده مؤمنش است، یعنی آن چنان متولی و مدبر امور بنده است که هیچ کس دیگری این چنین ارتباطی را با آن بنده ندارد، او است که بنده را به سوی صراط مستقیم هدایت می‌کند، امر می‌کند، نهی می‌کند، به آن چه سزاوار است و می‌دارد، از آن چه نکوهیده است باز می‌دارد و او را در زندگی دنیایی و آخرتیش یاری می‌کند. اولیای خدا تنها مؤمنین‌اند، زیرا خدای تعالی خود را ولی آنان در حیات معنوی شان دانسته و فرموده: «وَ اللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ». (آل عمران/۶۸) (موسوی همدانی ۱۳۷۴).

۱-۳- اهمیت ولایت اولیای خدا: ولایت خدای سبحان، یعنی سرپرستی او نسبت به امور بندگان و تربیت آنان، به وسیله دین تمام نمی‌شود مگر به ولایت رسولش، و ولایت رسولش نیز تمام نمی‌شود مگر به ولایت اولی الامر که بعد از درگذشت آن جناب و به اذن خدای سبحان زمام این تربیت و تدبیر را به دست بگیرند.

هم چنان که خدای تعالی تصریح کرده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/۵۹)، و نیز می‌فرماید: «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ، وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ» (مائدة/۵۵) از طرف دیگر فرمود: «لِيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي ...» (مائدة/۳) که ناظر است بر کمال یافتن دین خدا در تشریح، و تمامیت یافتن ولایت نعمت با نصب اولی الامر. (موسوی همدانی ۱۳۷۴)

۱-۴- **ولایت پذیری:** راغب، «تولی» را به معنی روی آوردن و پذیرش می‌داند (راغب اصفهانی ۱۴۱۴)، و قرشی، تولی (ولی در باب تغفل) را به معنی دوست و سرپرست اخذ کردن گرفته است. (قرشی ۱۳۷۱) می‌فرماید: «وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمْ الْغَالِبُونَ» در این جا تولی به معنای گرفتن ولی است.

۲- **عوامل درونی تربیتی ولایت پذیری:** عوامل تربیت به اموری غیر از افعال اطلاق می‌شود که می‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم، چندجانبه یا از جهتی خاص، با قصد یا بدون قصد، و عموماً به تدریج در تحقق اهداف تربیت مؤثر باشد. (مصباح یزدی ۱۳۹۰) عوامل را بر اساس این که در درون خود متربی هستند یا از بیرون بر تربیت اثر می‌گذارند، می‌توان به دو عنوان درونی و بیرونی تقسیم کرد. (مصباح یزدی ۱۳۹۰)

ولایت‌پذیری سخن نگفته است و بنابراین با توجه به سؤالات تحقیق، تمامی آیات قرآن کریم مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفت و نتایج مورد تحقیق از آن استنباط شد. این تحقیق به منظور توصیف عینی و کیفی محتوای قرآن کریم به صورت نظام دار انجام شده و قلمرو آن متن مصحف شریف و تفسیر آن، عمدتاً از ترجمه‌ی میزان علامه طباطبایی، بوده است. در اجرای تحقیق، پس از جستجو پیرامون ادبیات و پیشینه‌ی تحقیق، ابتدا تمامی آیات قرآن کریم به دقت با کلید واژه های ولی، مولی، ولاء، ولایت، تولی، اطاعت، تبعیت، اتباع، امام و برخی دیگر از لغات هم ریشه، به صورت کلی بررسی، و آیات مربوط احصا شد. بر این اساس مشخص شد کلید واژه‌ی ولی و مشتقات آن در ۱۱۷ آیه از آیات قرآن کریم آمده است. همچنین کلیدواژه‌ی اطاعت و مشتقات آن جمعاً در ۱۲۳ آیه، تبعیت و مشتقات آن، در ۱۷۲ آیه و امام در ۱۲ آیه و مشتقاتش در ۶۴ آیه از قرآن کریم آمده است. با تعیین یک چارچوب مفهومی بر اساس سؤالات تحقیق، آیات منتخب هر یک در جایگاه مربوط به خود در این چارچوب قرار گرفت تا دسته بندی کلی تحقیق بر مبنای سؤالات تحقیق شکل گیرد. سرانجام، دسته بندی مورد نظر، بر اساس انواع عوامل به صورت جزئی تر تکمیل و دسته بندی نهایی تحقیق محقق شد.

نتایج تحقیق

تربیت فرایندی پیچیده و معلول و تحت تاثیر شرایط گوناگونی است و در صورتی می‌توان به اهداف تعیین شده برای آن دست یافت که به امور مختلف مؤثر بر آن، چه مثبت و چه منفی، توجه داشت.

۱- مفهوم ولایت و ولایت پذیری: راغب در مفردات «ولی» را نزدیکی دو چیز به گونه‌ای که فاصله‌ای میان‌شان نباشد، معنا کرده؛ چه به لحاظ مکانی و چه نسبی و دینی و درستی و یاری و اعتقادی. «ولایت» با کسر واو را یاری و با فتح واو را سرپرستی و تولیت امر می‌داند. (راغب اصفهانی ۱۴۱۴) مصطفوی «ولی» را به معنی نزدیکی و هم نشینی، نصرت و یاری، و «ولایت» با فتح و کسر واو را نیز به معنی نصرت و یاری می‌داند. (مصطفوی ۱۳۶۰)

۱-۱- **معنای ولایت و مراد از ولایت خدا در قرآن کریم:** کلمه‌ی «ولایت» هر چند که اهل لغت معانی بسیاری برای آن بر شمرده‌اند، لیکن اصل در معنای آن بر طرف شدن واسطه در بین دو چیز است، به گونه‌ای که بین آن دو، واسطه‌ای که از جنس آنها نیست وجود نداشته باشد و لازمه‌اش این است که برای ولی قربی باشد که برای غیر او نیست مگر به واسطه‌ی او، پس هر چه از

ولایت خدا و به حب او منتهی شود. (موسوی همدانی ۱۳۷۴)

- **توجه به سلطنت و قدرت خدا:** «وَ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (بقره/۱۱۷)، (نیز فرمود: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران/۵۹) و سپس فرمود: «وَ كَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَ رُوحٌ مِنْهُ». (نساء/۱۷۱) «وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ يَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ» (انعام/۷۳) (موسوی همدانی ۱۳۷۴) توجه به قدرت و سلطنت الهی، انسان را خاضع و تابع او می کند، و چون گفته شد ولایت اولیای الهی در طول ولایت الهی است، این توجه به قدرت و سلطنت او، موجب تبعیت و اطاعت از اولیای او نیز می شود.

۲-۳ - **عوامل توانشی-رفتاری:** هم قابلیت ها و توانایی های متربی با منشاء رفتارهای او و هم حالت هایی که نتیجه و حاصل رفتارهای اویند.

- **ایمان:** «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَ مَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ قَلْبَهُ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (تغابن/۱۱) خدای سبحان که رب العالمین است، لازمه ربوبیت عامه اش این است که او به تنهایی مالک هر چیز باشد و مالک حقیقی دیگری غیر او نباشد، پس هیچ متحرکی و هیچ چیز ساکنی بدون اذن او حرکت و سکون ندارد، و هیچ صاحب فعلی و هیچ قابل فعلی جز با سابقه علم و مشیت او فاعلیت و قابلیت ندارد، و علم و مشیت او خطا نمی کند، و قضایش ردخور ندارد. (موسوی همدانی ۱۳۷۴)

- **ادب و تواضع:** «قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْتَلْبِئِي عَنْ شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا». (کهف/۷۰) اگر پیروی مرا کردی باید از هر چیزی که دیدی و برایت گران آمد سؤال نکنی تا خودم در بیان معنا و وجه آن ابتداء کنم. با این که موسی (ع) کلیم الله، و یکی از انبیای اولوا العزم و آورنده تورات بوده، مع ذلک در برابر یک نفر که می خواهد به او چیز بیاموزد چقدر رعایت ادب کرده است. (موسوی همدانی ۱۳۷۴)

- **صبر:** «قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا». (کهف/۷۲) در این جمله سؤال موسی (ع) را بی جا قلمداد کرده می گوید: آیا نگفتم که تو توانایی تحمل با من بودن را نداری؟ «قَالَ لَا تَأْخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَ لَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عَسْرًا». (کهف/۷۳) مرا به خاطر نسیانی که کردم و از وعده ای که دادم غفلت کردم، مؤاخذه مکن و در کار من تکلیف را سخت مگیر. (موسوی همدانی ۱۳۷۴)

۲-۱ - **عوامل بینشی:** به خرد، عقلانیت و شناخت فرد مربوط بوده، و از ساحت بینش، نگرش و باورها نشات می گیرد؛

- **معرفت:** «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله/۱۱) دین خدا می خواهد تا جایی که افراد بشر ظرفیت و استعداد دارند علم را در دل های شان متمرکز کند، و این غرض حاصل نمی شود مگر از راه علم، و در میان کتب وحی هیچ کتابی، و در بین ادیان آسمانی هیچ دینی نیست که مثل قرآن و اسلام مردم را به سوی تحصیل علم تشویق کرده باشد. (موسوی همدانی ۱۳۷۴)

- **آگاهی به زمانه:** من عرف الايام لم يغفل عن الاستعداد (کلینی ۱۳۶۵) العالم بزمانه لا تهجم عليه اللوابس (کلینی ۱۳۶۵) شناخت زمانه و امام و ولی زمان، اهمیتی دو چندان در تبعیت از ایشان دارد، به نحوی نشناختن ایشان به منزله ای عدم اسلام و ایمان شمرده شده است. مهم است اثر شناخت زمانه در توجه به استعدادهای فرد و نیز این که علم به زمانه، موجب اجتناب و عدم آسیب پذیری از شبهات، و بلکه سبب مصونیت فرد در برابر این مسائل خواهد بود.

- **یقین:** «... لَمَّا صَبَرُوا وَ كَانُوا بَايَاتِنَا يُوقِنُونَ» (سجده/۲۴) شایستگی مقام امامت در برابر تمامی صحنه هایی که برای آزمایش شان پیش می آید، تا مقام عبودیت و پایه ی بندگی شان روشن شود، صبر می کنند، در حالی که قبل از آن، دارای یقین هم هستند. قرآن درباره ی ابراهیم فرماید: «وَ كَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ» نشان دادن ملکوت به ابراهیم مقدمه بوده برای این که نعمت یقین را بر او افاضه فرماید. (موسوی همدانی ۱۳۷۴)

۲-۲ - **عوامل گرایشی:** به کشش ها، هیجانان و تمایلات فرد مربوط شده و خواست ها و تمایلات فرد را نشانه رفته است؛

- **حب:** «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران/۳۱) اسلام زیر بنایش حب است و آیه ی شریفه می خواهد بشر را از راه ولایت، به پیروی رسول خدا (ص) دعوت کند. اگر واقعا دوستدار خدایند، باید پیامبر او را پیروی کنند. فرمود: «ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ، فَاتَّبِعْهَا وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ، إِنَّهُمْ لَنْ يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا، وَ إِنْ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ، وَ اللَّهُ وَ لِيُّ الْمُتَّقِينَ». (جاثیه/۱۹) از معنای اتباع به معنای ولایت منتقل می شود. بر کسی که مدعی ولایت خدا و دوستی او است واجب است از رسول پیروی کند تا به

عمران/۱۶۴) ابناء بشر هرگز از نبوت بی‌نیاز نبوده اند، چون نبی کسی است که از ناحیه‌ی خدا مؤید شده، و عقل نیز نبوتش را تایید کرده است. (موسوی همدانی ۱۳۷۴)

– **عفو الهی:** «وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خَلَفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمْ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَنْ لَا مَلْجَأَ مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» (توبه/۱۱۸) خدای تعالی می‌داندست نزدیک شدن بشر به منزلگاه کرامت و سعادت موقوف بر این است که از آن چه او را به خطرهای نامبرده می‌افکند منصرف شود، و اگر هم مبتلا بدان شده، از آن دل بر کند، و به سوی پروردگارش رجوع کند، به همین جهت خدای سبحان باب توبه را فتح کرد. (موسوی همدانی ۱۳۷۴)

۳-۲- عوامل فرهنگی و اجتماعی

– **مربی:** از شرایط تربیت صحیح این که مربی اوصافی را که به شاگرد پیشنهاد و سفارش می‌کند، خودش ملبس باشد. فرمود: «أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى» (یونس/۳۵)

– **خانواده:** ذیل آیه‌ی «قُوا أَنفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا» از امام پرسیده شد چگونه زن و فرزند را از آتش دوزخ حفظ کنم؟ فرمود: آن‌ها را امر کن بدان چه خدا امر کرده، و نهی کن از آن چه خدا نهی کرده، اگر اطاعتت کردند به وظایف عمل کرده‌ای، وگرنه خودشان گنهارند، تو آن چه را بر عهده داشته‌ای ادا کرده‌ای. (کلینی ۱۳۶۵)

نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است. (مکارم شیرازی ۱۳۷۴)

– **علماء:** «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله/۱۱) در این معنا هیچ تردیدی نیست که لازمی ترفیع درجه‌ی بنده‌ای از بندگان خدا، زیادتر شدن قرب او به خدای تعالی است، و این خود قرینه و شاهدی است عقلی بر این که مراد از این هابی که موهبت علم‌شان داده‌اند، علمایی از مؤمنین است. (موسوی همدانی ۱۳۷۴)

– **دوستان:** «الْأَخْلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ» (زخرف/۶۷) لازمی دوستی طرفینی این است که یک طرف، طرف دیگر را در مهماتش کمک کند، و این کمک وقتی در غیر رضای خدا باشد، در حقیقت کمک به بدبختی و شقاوت و عذاب دائمی آن طرف است، هم چنان که در جای دیگر در حکایت گفتار ستمگران در قیامت فرموده: «بَا وَيْلَتِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فَلَانًا خَلِيلًا لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي» (فرقان/۲۹) (موسوی همدانی ۱۳۷۴)

– **تسلیم:** «وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ» (بقره/۲۸۵) جمله‌ی «سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا» انشا است، نه اخبار، نمی‌خواهند خبر دهند که ما شنیدیم و اطاعت کردیم، بلکه می‌خواهند به تعبیر فارسی بگویند «بچشم، اطاعت» و این تعبیر کنایه است از این که دعوت تو را اجابت کردیم، هم با ایمان قلبی، و هم با عمل بدنی. (موسوی همدانی ۱۳۷۴)

– **پیروی از حق:** «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/۵۹) بعد از آن که از دعوت به عبادت خدا به تنهایی و دعوت به شرک نورزیدن، و گستردن احسان در بین همه‌ی طبقات مؤمنین، و مذمت کسانی که به این طریقه‌ی پسندیده خرده می‌گیرند، و مردم را از احسان و انفاق باز می‌دارند، پرداخت، در این آیه به اصل مقصود برگشته است. (موسوی همدانی ۱۳۷۴) دستور به اطاعت از خدا و رسول و اولی الامر، به معنی صاحبان امر، همان ولایت پذیری و مقصود مورد نظر این تحقیق است.

– **تبری از مشرکان:** «مَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ مَا يَتَّقُونَ ... مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ» (توبه/۱۱۵) این آیه، یکی مؤمنین را تهدید می‌کند به این که اگر از آن کارهایی که خداوند بیان کرده پرهیز نکنند، بعد از هدایت گمراهشان خواهد کرد، و در میان همه‌ی کارهایی که خداوند از آن‌ها نهی کرده، آن کاری که با مورد آیه تطبیق دارد همان استغفار کردن برای مشرکین و محبت به ایشان است، که مؤمنین باید از آن بپرهیزند، و الا بعد از هدایت دچار ضلالت می‌شوند.

۳- **عوامل بیرونی ولایت‌پذیری:** عواملی که به واسطه‌ی ارتباط مرتبی با انسان‌های دیگر، خداوند یا طبیعت، در او اثر می‌کند.

۳-۱- **عوامل الهی:** عواملی که مربوط به خداوند متعال است و در تربیت و ولایت‌پذیری فرد نقشی اساسی دارد.

– **خدای متعال:** «أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ قَالَ اللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ ... فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ» (شوری/۹) این آیه متعرض حال کفار شده که چگونه برای خود اولیا و خدایانی گرفته، و آن‌ها را به جای خدا می‌پرستند، با این که لازم بود خدا را ولی خود بگیرند و به دین او در آیند و او را بپرستند. جمله‌ی «فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ» انکار سابق را که چرا غیر خدا را ولی گرفتند، تعلیل می‌کند، و این خود استدلالی است بر این که باید خدا را ولی خود بگیرند (موسوی همدانی ۱۳۷۴)

– **انبیا و اولیا:** «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (آل

اختیارات به یک زمام وصل شده، در نتیجه هر فرد از افراد جامعه به راه کمالی که خود لایق آن است بیفتد و در این راه تکامل احدی مزاحم فردی دیگر نشود و هیچ فردی بدون داشتن حق جلو نیفتد. برای چنین حکومتی چیزی که لازم است داشتن دو سرمایه است: یکی علم به تمامی مصالح حیات جامعه و مفسد آن، و دوم داشتن قدرت جسمی بر اجرای آن چه که صلاح جامعه می‌داند. «وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ». (موسوی همدانی ۱۳۷۴)

نتیجه گیری

از آن جا که خالق هستی خداوند متعال است، ولایت و سرپرستی بر مخلوقات و از جمله انسان نیز از آن اوست. ولایت انبیا و جانشینان راستین ایشان در طول تاریخ نیز در طول ولایت الله و در واقع پرتویی از آن است؛ خداوند متعال ولی مؤمنان است و طاغوت، اولیای کافران. پیامبر بر مومنین ولایت و اولویت دارد و صلاح امور دین و دنیای ایشان در علم و آگاهی در دست اوست. پس از دوران پیامبر و ائمه علیهم السلام نیز، طبق معارف اسلامی، ولی فقیه چنین جایگاهی دارد و وظایف سرپرستی و تربیت جامعه را بر عهده دارد. با توجه به این که وظیفه اصلی ولی، تربیت و هدایت مردم است، این مفهوم و منصب آن گاه معنا می‌یابد که از سوی مردم به عنوان متریان، مقبول باشد و به عبارت بهتر متریان ولایت پذیر باشند. این که متریان، ولایت ولی را بپذیرند و این گونه تربیت شوند تا ولی بتواند وظایف تربیتی خود را در قبال آنان انجام دهد و بی شک عوامل و عللی وجود دارد که باعث می‌شود مردم یک جامعه ولایت پذیر تربیت شوند. رأی و نظر ولی خود را بهتر فهمیده، پذیرفته و عمل کنند. مقاله‌ی حاضر با هدف تبیین مفاهیم ولایت و ولایت پذیری و احصاء عوامل تربیتی ولایت پذیری از منظر قرآن کریم انجام شد و به نتایج زیر دست یافت:

- ولایت به معنای قرار گرفتن چیزی در کنار چیز دیگر است، به گونه‌ای که فاصله‌ای بین آن‌ها نباشد. به معنای نصرت و یاری، و سرپرستی، تصدی، صاحب اختیاری و تسلط نیز آمده است. بنابراین، ولایت عبارتست از قربی که باعث و مجوز نوعی خاص از تصرف و مالکیت و تدبیر می‌شود.

- ولایت پذیری: باور به این است که اهل بیت از سوی خداوند، بر امت اسلامی حق ریاست و حاکمیت داشته و دارند و ما وظیفه داریم راه ایشان را ادامه داده، زمینه را برای حکومت امام معصوم و جانشین و نایب او، یعنی ولی فقیه فراهم کنیم. به عبارتی ولایت پذیری یعنی در

- مساجد و اماکن مقدس: «لَمَسْجِدٍ أَسَسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ» (توبه/۱۰۹) مسجدی که از روز نخست بر پرهیزگاری بنیان شده شایسته‌تر است که در آنجا نماز بگزارى. کسانی که در مسجدی که بنای آن پرهیزگاری باشد گرد می‌آیند یا رهبری آن را در دست دارند مردمانی پاکیزه خوی‌اند و هدفشان نخست تزکیه نفس خود و سپس تربیت مردم است. (مدرسی ۱۳۷۷)

- نهادهای تربیتی: «ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ»؛ به قلم و آن چه با قلم می‌نویسند سوگند یاد کرده، از این جهت این سوگند را یاد کرده که قلم و نوشته از عظیم‌ترین نعمت‌های الهی است. نیز فرمود: «وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ». تزکیه به معنای آن است که پیامبر مردم را به نموی صالح رشد دهد، اخلاق فاضله و اعمال صالحه را عادتشان کند، در نتیجه در انسانیت خود به کمال برسند، و حال شان در دنیا و آخرت استقامت یابد، سعید زندگی کنند، و سعید بمیرند. (موسوی همدانی ۱۳۷۴)

- سنت‌های اجتماعی: «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (نساء/۲۶) شما را هدایت کند به طریقه‌های زندگی سابقین یعنی انبیا و امت‌های صالح گذشته، که زندگی خود را در دنیا مطابق رضای خدا پیش بردند، و در نتیجه سعادت دنیا و آخرت خود را به دست آوردند، و بنابراین معنا مراد از سنت‌های آنان، سنت‌های آنان به طور اجمال است، نه به طور تفصیل. (موسوی همدانی ۱۳۷۴)

۳-۳ عوامل سیاسی

- حکومت: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَ جَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَ قَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات/۱۳) می‌فرماید: «أَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (بقره/۱۴۸) امر حکومت اسلامی بعد از رسول خدا صلوات ... علیه و بعد از غیبت آخرین جانشین آن جناب صلوات ... علیه یعنی در عصر حاضر، به دست مسلمین است، اما با در نظر گرفتن معیارهایی که قرآن کریم بیان کرده؛ اولاً: مسلمین باید حاکمی برای خود تعیین کنند. ثانیاً: حاکم باید کسی باشد که بتواند طبق سیره‌ی رسول الله صلوات ... علیه حکومت کند. ثالثاً: باید احکام الهی را بدون هیچ کم و زیاد حفظ کند. رابعاً: در مواردی که حکمی از احکام الهی نیست عقلای قوم تصمیم بگیرند.

- حاکمان: «قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ» (بقره/۲۴۷) سلطنت و حکومت در جامعه‌ای از مردم، تنها برای این است که اراده‌های متفرق مردم همه یک جا متمرکز شود، و تمامی زمام‌ها و

Makarem shirazi, N, 1995, *Tafsir-e nemoone*, dar al-kotob al-eslamiah, Tehran, Pp.24-287.

Mesbah yazdi, M, 2011, *philosophy of Islamic education*, Madreseh pub., Tehran, Pp.387-443.

Modarresi, M, 1998, *Tafsir-e الهدایت*, translated by Aram, ahmad, Islamic research foundation of Aastan-e Qods-e razavi, mashhad, Vol.4, Pp.236-237.

Mostafavi, H, 1981, *Al-Tahghigh in Holy Quran words*, translate and publicate of book firm, Tehran, Vol.13, Pp.202-203.

Motahhari, M, 1994, *Education in islam*, sadra pub., Tehran, Pp.264.

Motahhari, M, 1994, *Imamat and Leadership*, sadra pub., Tehran, Pp.60.

Mousavi hamedani, M, 1995, *Tafsir-e Al-Mizan translation*, teachers society of Qom seminary pub, qom.

Mousavi Khomeini, R, 2000, *Velayat-e faqih*, set and publicate ins. of imam Khomeini effects, Tehran, Pp.2-3.

Qorashi, A, 1992, *Qamoos-e quran*, dar al-kotob al-eslamiah, qom, Vol.7, Pp.245-247.

Raqib isfahani, H, 1991, *Almofradat fi Gharib al-Quran*, dar al-elm dar al-shamiah, damescus, Syria, Pp.885-886.

Rejali Tehrani, A, 2010, *velayat faqih in Ghaybat age*, Nobough pub., qom, Pp.85.

Sadoughi far, A, 2013, *Effect of Leadership acceptance in human happiness supplying at Quran and Hadith*, master of science thesis, University of Quran and Hadith, Rey.

حوزه‌ی فردی، اجتماعی و سازمانی ولایت، قطب و محور همه‌ی اندیشه‌ها، رفتارها، موضع‌گیری‌ها و حرکات‌ها باشد و تمامی نهادها و سازمان‌های مردمی و حکومتی، مدیران و افراد، خود را با ولی‌همانگ و همراه کنند.

- عامل امری است که در تربیت تأثیری مثبت دارد و مانع نیز امری است که تأثیر منفی دارد.

- عوامل تربیتی ولایت‌پذیری، به دو دسته‌ی کلی درونی و بیرونی تقسیم می‌شود. درونی یعنی خود فرد به طور مستقیم تأثیرگذار است و بیرونی یعنی از سوی دیگران و محیط بیرونی بر تربیت تأثیرگذاری می‌شود.

- عوامل درونی ولایت‌پذیری به سه دسته تقسیم می‌شود: بینشی شامل معرفت، آگاهی به زمانه و یقین؛ گرایشی شامل حب و توجه به سلطنت و قدرت خدا؛ و توانشی شامل ایمان، ادب و تواضع، صبر، تسلیم، پیروی از حق و تبری از مشرکان.

- عوامل بیرونی ولایت‌پذیری به سه دسته تقسیم می‌شود: الهی شامل خدای متعال، انبیا و اولیا، و عفو الهی؛ فرهنگی و اجتماعی شامل مربی، خانواده، علما، دوستان، مساجد و اماکن مذهبی، نهادهای تربیتی، و سنت‌های اجتماعی؛ و بالاخره عوامل سیاسی شامل حکومت و حاکمان.

References

Azari qomi, A, 1995, *velayat-e faqih: quran aspect*, dar-al-elm publication, qom, Pp.46.

Hafez nia, M.R. 2013, *An introduction to the research method in humanities*, Samt pub, Tehran, Pp.72-77.

Javadi amoli, A, 2004, *velayat-e faqih: valayat-e fiqahat and justice*, asra pub., qom, Pp.122.

Koleini razi, M, 1986, *Al-Kafi*, dar al-kotob al-eslamiah, Tehran.

The Educative Factors of Leadership Acceptance: Qur'an Aspect

Ali yousefi^{1,*}

Saeid beheshti²

Kazem akrami³

¹: PhD student, philosophy of education, Islamic azad university, science and research, Tehran, Iran.

²: member of philosophy of education group, Islamic azad university, science and research, Tehran, Iran.

³: member of philosophy of education group, kharazmi university, Tehran, Iran.

Abstract: The Velayat (supervision-leadership) of prophets and their successors in the history was during the God Velayat; God put Vali (supervisor) more worthy and meritorious than believers, after Prophet and Imams Supreme Leader have such a place in society. Expression of Velayat importance and are the purposes of this article. The research method is descriptive and analytical; that is what we tried to report without interference or inference of subjective and objective results reckon, and verses of the Holy Quran according to the survey questions, be analyzed. Accordingly, factors such as knowledge, love, faith, patience, follow the right and independence from the pagans as internal factors and divine forgiveness, coach, family, government and governor of the province known as external factors.

Keywords: Leader, Leadership, Leadership Acceptance, Education, Internal Factors, External Factors.

***Corresponding author:** PhD student, philosophy of education, Islamic azad university, science and research, Tehran, Iran.

Email: yousefi1981@yahoo.com